

تأثیرمتغیر استقلال مالی زنان در برخورداری آنان از حقوق شهروندی^۱

طیبه ابراهیمی^۲

زهره فرهادی^۳

چکیده

هدف اصلی از این تحقیق، تبیین استقلال مالی زنان درارتباط با حقوق شهروندی به عنوان یکی از حقوق اساسی آنان در نظر گرفته شده است و حقوق شهروندی، حق ذاتی و فطری انسان‌هاست حقوقی که ارزش آن‌ها ریشه در آموزه‌های دینی، قانون اساسی و فرهنگ دارد و از آنجایی که زنان نقش کلیدی در خانواده دارند و هرگونه تغییر و تحول در وضعیت آنان در خانواده و جامعه تأثیر خواهد گذاشت و از طرف دیگر توسعه پایدار در کشور بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های زنان، امکان‌پذیر نیست، این پرسش مطرح است که باتوجه به فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف جامعه، استقلال مالی آنان چگونه تحقق پیدا می‌کند؟ استقلال مالی آنان چه ارتباطی با حقوق شهروندی آنان خواهد داشت؟ بنظر می‌رسد علی‌رغم حساسیتی که نسبت به فعالیت زنان و درآمد آنان در کشور و جامعه جهانی وجود دارد، هنوز به صورت اختصاصی به آنان پرداخته نشده است. باید توجه داشت که استقلال مالی زنان تنها از دیدگاه توسعه و ایجاد ثروت مورد توجه نیست، بلکه استقلال مالی، به زن اعتماد به نفس و استقلال فکری می‌دهد و می‌تواند مادر و همسر خوبی در خانواده و مدیر توانمندی باشد. روش تحقیق، متن محور و به صورت توصیفی، تحلیلی است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب از قوانین و متون علمی، استخراج و به توضیح آن پرداخته شده

۱. تأیید نهایی: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

۲. دکترای تخصصی، تهران، ایران ebrahimi_78@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد

است. پژوهش حاضر پیشنهاداتی در راستای استقلال مالی زنان و اصلاح رفتارهای فرهنگی، اجتماعی و نیز اصلاح قوانین و اقدامات اجرایی، ارائه داده است؛ با این پیش فرض که بکارگیری این پیشنهادات می‌تواند منجر به تحقق حقوق شهروندی گردد.

کلیدواژه‌ها: استقلال مالی، حقوق شهروندی، حق مالکیت، حق کسب درآمد.



۱. مقدمه

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰). خداوند «بنی آدم» را تکریم کرده است و کرامت همه انسان‌ها را صراحتاً اعلام نموده است. بنابراین همه انسان‌ها به دلیل انسان بودن دارای حقوق و آزادی‌هایی هستند، برخورداری از این حقوق و آزادی‌ها به جنسیت، نژاد، رنگ، ... ارتباطی ندارد (اصل ۱۹، قانون اساسی) و حقوق شهروندی حق ذاتی و فطری انسان‌هاست که شامل مجموعه‌ای از حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. که بر روابط اشخاص در جامعه حکومت می‌کند و موضوع آن چگونگی روابط مردم، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و در برابر دولت است، یکی از مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی استقلال مالی زنان است. «استقلال» در تمام حقوق و تکالیف، عنصر اصلی و پیش‌نیاز شهروندی محسوب می‌شود. مسئله اصلی این پژوهش این است که با توجه به فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف جامعه، استقلال مالی آنان چگونه تحقق پیدا می‌کند و استقلال مالی آنان چه ارتباطی با حقوق شهروندی آنان خواهد داشت. محرومیت زن از حقوق مالی یکی از ستم‌هایی است که در طول تاریخ گذشته در جوامع مختلف در حق زنان اعمال گردیده است. از آنجایی که زنان نقش کلیدی در خانواده دارند و هرگونه تغییر و تحول در وضعیت آنان در خانواده و جامعه تأثیر خواهد گذاشت و از طرف دیگر توسعه پایدار در کشور بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های زنان، امکان‌پذیر نیست و همچنین باید توجه داشت که استقلال مالی زنان تنها از دیدگاه توسعه و ایجاد ثروت مورد توجه نیست، بلکه استقلال مالی، به زن اعتماد به نفس و استقلال فکری می‌دهد و می‌تواند مادر و همسر خوبی در خانواده و مدیر توانمند در سطح ملی و بین‌المللی باشد. لذا در قوانین کشور ایران که برگرفته شده از فقه اسلامی است، زن اعم از این که مجرد باشد یا متأهل، می‌تواند دارایی مستقل داشته باشد و برای تصرف در اموال خود نیاز به اذن یا اجازه پدر یا شوهر خود ندارد. در صورتی که پیش از اسلام فرهنگ تبعیض‌آمیز حاکم بود و مانع دستیابی زنان به استقلال مالی‌شان بود و با ظهور اسلام و تبیین احکام الهی، حقوق مالی فراوانی را برای زن ثابت کرد و استقلال مالی وی را پذیرفت و لازمه رسیدن زنان به استقلال مالی، این است که بدانند در عمل چه فعالیت‌هایی را در جامعه و خانواده انجام دهند و چگونه می‌توانند به فرهنگ جامعه کمک کنند تا مردم استقلال مالی آنان را به رسمیت بشناسند و اگر زمینه‌های قانونی در جهت ایفای استقلال مالی زنان وجود نداشته باشد، دولت و مجلس موظف هستند با ارائه طرح و لوایح مناسب، این زمینه را فراهم کنند.

۱-۱. مفهوم شناسی مصطلحات

مفهوم در لغت آنچه مورد فهم واقع شده است و در اصطلاح: معنایی که لفظ بر آن دلالت می‌کند و از لفظ فهمیده می‌شود.

۱-۱-۱. استقلال مالی

استقلال در لغت به معنای آزادی داشتن، به آزادی کار کردن، بدون مداخله کسی کار خود را اداره کردن (عمید، ۱۳۶۳ش: ۱۳۱) و در اصطلاح، اهلیت مالکیت و صلاحیت بهره‌مندی از اموال را داشته باشد و «اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و بامرگ اوتمام می‌شود» (ق. م، ماده ۹۵۶) و شخص بالغ عاقل و رشید (ق. م، ماده ۹۵۸) دارای «اهلیت قانونی» است و می‌تواند هرگونه تصرفی در امور و اموال خود بنماید.

۱-۱-۲. حقوق شهروندی

حقوق شهروندی حق ذاتی و فطری انسان‌هاست که شامل مجموعه‌ای از حقوق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که به صورت همگانی، برابر و یکسان است. و شهروند، فردی است در رابطه با یک دولت که از سوی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیفی برعهده دارد. این رابطه متشکل از حقوق و تکالیف را شهروندی گویند و چگونگی رابطه شهروندی (حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت) را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می‌کند (آشوری، ۱۳۷۳ش: ۲۲۱).

۱-۱-۳. حق کسب درآمد

حق استفاده‌ی جنسی یا نقدی که شخص در سال از سرمایه یا معلومات یا نیروی کار خود کند و قابل تقویم به پول باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸ش: ۲۸۵).

۱-۱-۴. حق مالکیت

حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد (همان منبع: ۵۹۹).

۱-۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

محروریت زنان از حقوق مالی یکی از ستم‌هایی است که در طول تاریخ گذشته در جوامع مختلف در حق زنان اعمال گردیده و نقش زنان در خانواده و جامعه نادیده گرفته شده است. امروزه این امکان را زنان پیدا کردند تا به تحصیل علوم مختلف بپردازند و از تخصص و

تحصیلات خود بهره ببرند و حاصل کسب و کار مشروع خویش را مالک شوند و هم‌چنین طبق قوانین از طرق ارث و مهریه و نفقه و..... اموالی را مالک می‌شوند و اگر از استقلال مالی برخوردار باشند، می‌توانید به صورت مستقل تصمیم بگیرید و در این مورد بین زنان شاغل و غیر شاغل تفاوتی وجود ندارد. پس ضروری است زنان نسبت به حقوق و تکالیف خود آگاه باشند تا بتوانند حقوق خود را مطالبه و تکالیف خود را به درستی انجام دهند

۲. حقوق شهروندی زنان در ایران

«حقوق» در لغت جمع «حق» است و «حق در لغت به معنی راست و درست، ضد باطل، ثابت و واجب، هر کاری است که البته واقع شود و نیز به معنی یقین، عدل و نصیب و بهره از چیزی، ملک و مال بکار می‌رود» (عمید، ۱۳۶۳ش: ۵۲۶-۵۲۷) و در اصطلاح «حق: توانایی و قدرتی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی بطور مستقیم استفاده کنند و یا انتقال مال و انجام دادن کاری از دیگری بخواهند» (کاتوزیان، ۱۳۷۸ش: ۲۴۹). به این نوع حقوق، «حقوق فردی» هم گفته می‌شود، طبق آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰). خداوند «بنی آدم» را تکریم کرده است و کرامت همه انسان‌ها را صراحتاً اعلام نموده است. بنابراین همه انسان‌ها به دلیل انسان بودن دارای حقوق و آزادی‌هایی هستند که برخورداری از این حقوق و آزادی‌ها به جنسیت، نژاد، رنگ، ... ارتباطی ندارد (اصل ۱۹، قانون اساسی). زیرا همه انسان‌ها در انسانیت مساوی هستند و تفاوتی با یکدیگر ندارند. حق حیات، آزادی، حق کار و برخورداری از موقعیت‌های اجتماعی، حق مالکیت و تشکیل خانواده و حقوق دیگری از این قبیل را حقوق انسانی نام نهاده‌اند (ابن تراب، ۱۳۸۰ش: ۳). بنابراین حقوق شهروندی، رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در اجتماع است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی به آن تصریح شده است و فقط شامل حال شهروندان کشور اعم از زن و مرد می‌شود در قوانین کشور ایران که برگرفته شده از فقه اسلامی است به بسیاری از حقوق شهروندی زنان اعم از این که مجرد باشد یا متأهل، پرداخته شده است و دربردارنده‌ی سه نوع حقوق می‌باشد:

۱- حقوق مدنی: حق مالکیت، حق انعقاد قراردادهای معتبر و... ۲- حقوق سیاسی: حق انتخاب شدن و انتخاب کردن و... ۳- حقوق اجتماعی: حق کار کردن و آزادی کار و شغل، بیمه... و حقوق اقتصادی که زیر مجموعه حقوق اجتماعی است، عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی فراهم می‌کند، بیشتر شامل مواردی مانند: حق داشتن خوراک، پوشاک، مسکن و هزینه‌های درمان و همچنین حق مالکیت و حق داشتن شغل و حق کسب درآمد کافی می‌باشد بخشی از آن حقوق، داشتن استقلال مالی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است و لازم است زنان نسبت به حقوق و تکالیف خود آگاه باشند تا بتوانند حقوق خود را مطالبه و تکالیف خود را به درستی انجام دهند و همچنین دولت همواره ملزم و مکلف به حفظ و رعایت این حقوق می‌باشد.

۲-۱. استقلال مالی زنان

حضرت خدیجه (س) دختر خویلد، زنی تاجرپیشه و شرافتمند و ثروتمند بود، او مردان را برای بازرگانی اجیر می‌کرد و سرمایه‌ای از مال خود را برای تجارت در اختیارشان می‌گذاشت (زرکلی، ۱۹۸۶م: ۳۰۲/۲) و قراردادی به شکل مضاربه یا اجاره امضا می‌کرد. تا با سفر به مناطق دیگر به خرید و فروش کالاهای مورد نظر او بپردازند. او وقتی رسول خدا (ص) را راستگو و اماندار یافت، کسی را نزد وی فرستاد و به او پیشنهاد کرد که با سرمایه او، همراه غلام وی مسیره برای تجارت، رهسپار شام شود و وی پذیرفت، در عصر جاهلیت که زنان از شأن و منزلتی برخوردار نبودند، باز تعدادی از زنان وجود داشتند که به تجارت و امور بازرگانی مبادرت می‌کردند. این موارد نشان‌گر این مطلب است که حقوق مالی زن و مرد، قبل از اسلام وجود داشته و شارع مقدس آن‌ها را امضاء نموده و بر مصلحت وجودی آن‌ها صحه گذاشته است. در قوانین کشور ایران که برگرفته شده از فقه اسلامی است زن اعم از این که مجرد باشد یا متأهل، می‌تواند دارای مستقل داشته باشد و برای تصرف در اموال خود نیاز به اذن یا اجازه پدر یا شوهر خود ندارد، بنابراین زن شوهردار طبق قوانین کشور ایران دارای استقلال مالی است و ریاست مرد بر خانواده نمی‌تواند خدشه‌ای بر این حق زن ایجاد کند. در فقه اسلامی، زن نیز همانند مرد دارای کلیه حقوق مدنی است و با داشتن اهلیت، در مسائل مالی و اقتصادی خود، از استقلال و آزادی عمل برخوردار است و می‌تواند در اموال خویش هر گونه دخل و تصرفی بنماید، بدون آن که به کسب موافقت

شوهر نیازی داشته باشد، اعم از این که اموال و دارایی او قبل از ازدواج به دست آمده باشد یا بعد از آن (زمانی درمزاری، ۱۳۷۸: ۶۱/۲-۶۲). بنابراین طبق ماده ۹۵۶ قانون مدنی، هر انسانی اعم از زن و مرد در هر وضعیت و در هر سن از اهلیت تمتع برخوردار است و می‌تواند دارای حق شود و می‌تواند مالک مال گردد و نسبت به مالکیت زن هیچ قید و شرطی وجود ندارد، یعنی مالک شدن زنان از راه‌های مشروع منوط به اذن نیست. زنان مالک ارث، نفقه، مهر، مزد شیر و نتیجه کار و فعالیت خویش هستند و در این جهت، خواست و اراده دیگران تأثیر ندارد. طبق ماده ۹۵۸ قانون مدنی، مراد از اهلیت استیفاء که به آن «اهلیت قانونی» هم می‌گویند، عبارت از این است که شخص بالغ عاقل و رشید باشد. هر انسانی (اعم از زن و مرد) که دوران کودکی را پشت سر گذاشت و به سن بلوغ و رشد رسید، دارای اهلیت قانونی است و می‌تواند هرگونه تصرفی در امور و اموال خود بنماید، مگر اینکه ثابت شود فاقد عقل است یا سفیه (غیر رشید) است و دادگاه حکم حجر او را صادر نماید. در این حکم کلی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد جز اینکه سن بلوغ دختر زودتر از بلوغ پسر تعیین شده است. پس هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و هیچ فرد بالغ و عاقل و رشیدی صرفاً به خاطر زن بودن فاقد اهلیت، به خصوص در امور مالی نیست (مهرپور، ۱۳۷۹: ۲۳). همچنین زن و مرد در تکالیف عبادی مالی اشتراک دارند. زن و مرد در تکالیف عبادی، مثل خمس، زکات و... مشترکند. این اشتراک در عبادات، دلیل دیگری بر استقلال مالی زن از دیدگاه اسلام است. بنابراین آیات و روایاتی که این گونه تکالیف را برای زنان ثابت می‌کند خود دلیل هستند بر اینکه اسلام استقلال مالی زن را پذیرفته است. اگر جنس زن مالک نبود یا حق تصرف در اموال خود را نداشت، اشتراک در این تکالیف بی معنا بود (طاهری نیا، ۱۳۸۹ش: ۲۳۶). در مورد تکالیف مالی باید فرد مالک باشد تا بتواند تکالیف خود را اداء کند.

۲-۲. حق مالکیت

یکی از حقوق اساسی و حقوق شهروندی «حق مالکیت» است که موجب تلاش و فعالیت می‌شود و عاملی برای رشد و توسعه کشور است. امروزه، برای زنان این امکانات بوجود آمده تا به تحصیل علوم مختلف بپردازند و از تخصص و تحصیلات خود بهره ببرند، برای خانواده و جامعه مفید باشند. در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام «حق مالکیت» زنان همانند مردان محترم شمرده شده و تفاوتی بین آنان مشاهده نمی‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ..... (آیه ۳۲ سوره نساء).

برای مردان از آنچه بدست آورده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای می‌باشد، جوادی آملی در این زمینه بیان می‌دارد: «باید عنایت داشت که قرآن کریم هر جا براهمیت یک امر مشترک میان زن و مرد تأکید دارد، آن را برای هر یک جداگانه ذکر می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۷۵ش: ۱۹۲-۱۹۳) و همین جداسازی میان نصیب زن و مرد در آیه یاد شده، خود بیان‌گر استقلال هر یک از زن و مرد در دارایی و اموال آنان است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲/۲۷۲). هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات در آن منع کند. اصل ۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند». در تأیید این اصل، ماده ۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». هرگونه تصرفی از قبیل خرید و فروش، اجاره، رهن، مزارعه، مساقات، هبه صلح، مضاربه، وصیت‌های تملیکی و قرض داشته باشد و نیاز به اجازه گرفتن از کسی، ندارد. همچنین ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند» و مالکیت زنان از طریق قرابت (نسبی و سببی) و اشتغال تحقق می‌یابد.

۲-۲-۱. قرابت (خویشاوندی)

قرابت نسبی: رابطه خویشاوندی که از اتصال دو نفر به یکدیگر به وسیله‌ی ولادت به نحوی که نسب یکی از آنان به دیگری منتهی شود یا این که نسب آن دو به شخص ثالثی برسد، اعم از ذکور و اناث، مثل پسر یا دختر که به پدر و مادر منتهی می‌شوند، یا برادر و خواهر که به ثالثی که پدر یا مادر آنان باشد، منتهی می‌گردند (مهرپور، ۱۳۷۶ش: ۸). به موجب قرابت نسبی زن می‌تواند از طریق خانواده‌ی خود به دو صورت «جهیزیه» و «ارث» اموالی را بدست آورد. جهیزیه: اموالی را که دختر هنگام ازدواج به خانه‌ی شوهر می‌برد و این موضوع عرفی است و متعلق به زن می‌باشد. شاید دلیل دادن جهیزیه به دختر، داشتن سهمی در ایجاد کانون خانواده باشد و همچنین تأمین نیازهای دختر در شروع زندگی مشترک توسط خانواده‌اش، ایجاد اعتبار و استقلال مالی در مقابل شوهر است (کانوزیان، ۱۳۷۱ش: ۲۰۰).

بنابراین جهیزیه جزء اموال زوجه بوده و می‌تواند هرگونه دخل و تصرفی در آن نماید و همچنین از طریق ارث که در لغت: به معنای ترکه و اموالی است که از متوفی به جای می‌ماند (شهیدی، ۱۳۸۱ ش ۱۷) ارث در اصطلاح: عبارت است از انتقال قهری دارایی متوفی به ورثه‌ی او و انتقال ترکه بدون اراده‌ی متوفی و ورثه تحقق پیدا می‌نماید و بدین جهت است که آن را انتقال قهری می‌گویند (امامی، ۱۳۲۵ ش: ۷۲). طبق ماده ۱۴۰ قانون مدنی یکی از موارد تملک ارث می‌باشد و زنان تحت عناوین مختلف از جمله دختر، خواهر، مادر، خاله و عمه و خواهرزاده و..... محسوب شده و بر مبنای چگونگی رابطه خویشاوندی سهم الارث تعیین شده را می‌توانند، دریافت کنند و به عنوان مالک به دلخواه خود و بدون نیاز به کسب اجازه دیگری از جمله پدر، برادر و... در آن دخل و تصرف نماید.

قربان سببی: هنگامی که دو نفر با هم ازدواج می‌کنند، حقوق و تکالیفی را به عهده می‌گیرند که حق هر یک تکلیفی است برای دیگری، این حقوق و تکالیف، که زمینه‌ای برای ایجاد مالکیت زن نیز محسوب می‌شود. بنابراین ارث، مهریه، نفقه و درآمد حاصل از انجام کار و حرفه متعلق به شخص خود زن است و می‌تواند در آن هر تصرفی که مایل است، انجام دهد. اما مهریه که وجوب آن در عقد نکاح از جمله مواردی است که توسط شارع مقدس امضاء شده و به مالی گفته می‌شود که مرد در زمان وقوع عقد نکاح دائم یا موقت به همسر خود می‌پردازد یا مکلف به پرداخت آن می‌شود. در نوع مهریه نیز محدودیتی وجود ندارد و هر چیزی که ارزش مالی داشته باشد، می‌تواند مهریه قرار گیرد. مطالبه و پرداخت مهریه ربطی به تمکین زن نسبت به شوهر خود، ندارد و جزء حقوق ذاتی وی در نکاح می‌باشد (زمانی در مزاری، ۱۳۷۸ ش: ۶۰) و خداوند می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (آیه ۴، سوره نساء) و مهر زنان را در کمال رضایت به آنان بپردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند، از آن برخوردار شوید که شما را حلال و گوارا خواهد بود. قانون مدنی ایران، به پیروی از شرع مقدس با قرار دادن مهریه، از حقوق زن و تأمین استقلال مالی وی حمایت نموده است و ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.» «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (آیه ۲۴/سوره نساء). زنانی را که متعه می‌کنید (به عقد موقت خود درمی‌آورید) مهرشان را بدهید که بر شما واجب است و در رابطه با تأمین استقلال مالی زنان اسلام تا جایی پیش می‌رود که به زنان اختیار می‌دهد، بعد از وقوع نکاح تا اخذ کامل

مهریه از تمکین در زندگی زناشویی که بر زن واجب است، خودداری نماید. در این زمینه ماده ۱۰۸۵ ق.م. مقرر می‌دارد: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده، از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود». طبق این ماده حق حبس مشروط به این است که مهر زن حال، یعنی بدون مدت و قابل وصول به مجرد عقد باشد. هرگاه مؤجل (مدت دار) باشد، برابر ماده ۱۰۸۵ ق.م. زن حق حبس ندارد. و هرگاه قسمتی از مهر حال و قسمتی مؤجل باشد، حق حبس فقط نسبت به قسمتی که حال است، حاصل می‌شود و پس از دریافت این قسمت، زن دیگر نمی‌تواند از ایفاء وظایف زناشویی امتناع کند (صفایی وامامی، ۱۳۷۵ش: ۱/۱۷۷) و می‌تواند بعد از دریافت مهریه هر تصرفی که می‌خواهد در آن انجام دهد. همین‌طور نفقه به معنی آنچه اتفاق کنند و یا صرف و خرج معیشت عیال و اولاد کنند (عمید، ۱۳۶۳ش: ۱۱۶۶). یکی از امتیازات مالی است که دین مبین اسلام برای زنان در نظر گرفته و مسؤلیت پرداخت آن به عهده زوج قرار داده است و زوج طبق قانون، رئیس و محور خانواده است. قانون مدنی ایران به پیروی از فقه، در ماده ۱۱۰۷ مقرر می‌دارد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض» (کاتوزیان، ۱۳۷۵ش: ۱۸۶) و مقدار آن براساس، عرف زمان و مکان زندگی زوجین تعیین می‌شود به شرط اینکه «درعقد دائم» باشد و توجه از زوج تمکین کند (ماده ۱۱۰۶، ق.م.) و طبق ماده (۱۱۰۸ قانون مدنی) «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد شد» (ناصرزاده، ۱۳۷۴ش: ۲۰۱-۲۰۲)، در عقد موقت وفق ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی، الزام به نفقه در صورتی است که در آن شرط شده باشد. در رابطه با مصداق نفقه فقها و حقوق‌دانان قائل به تقکیک و تقسیم‌بندی در مصداق نفقه شده‌اند بدین صورت که اموال مصرف‌شدنی (خوراکی‌ها و...) به مالکیت زن در می‌آید و او حق دارد در این اموال اعمال حق مالکیت کند و در سایر موارد (استفاده از مسکن و...) زن تنها حق انتفاع دارد. اما در مورد محتوای نفقه باید به عرف رجوع کرد. برای اینکه برحسب شرایط زمانی و مکانی، شیوه زندگی، برحسب نیازهای روزمره تغییر می‌کند. در این رابطه کاتوزیان بیان می‌دارد: «آنچه اهمیت دارد این است که شوهر باید به عنوان ریاست خانواده، تأمین معاش زن و فرزندان خود را عهده دار شود. تحول شیوه زندگی، هر روز نیازهای تازه به وجود می‌آورد. این نیازها را نمی‌توان در چهارچوب معینی محصور کرد و ناچار باید به

داوری عرف گذارد» (کاتوزیان، ۱۳۶۵ش: ۱۸۷/۱) و هم‌چنین توانایی مالی زوجه مانع مطالبه نفقه از زوج نخواهد بود. به عبارتی دیگر شوهر حق هیچ‌گونه مداخله در اموال و دارایی زن را ندارد و حتی ریاست وی بر خانواده نیز چنین اختیاراتی را برایش ایجاد نخواهد کرد و اگر شوهر برای مدتی نفقه زن را نپردازد، طبق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی، مدیون زوجه است و او همواره می‌تواند نفقه ایام گذشته را مطالبه کند، بنابراین طلب زن بابت نفقه یک طلب ممتاز است و در صورت ورشکستگی یا فوت شوهر و عدم کفایت اموال او برای پرداخت دیون، بر سایر بدهی‌ها مقدم خواهد شد. لیکن نفقه اقارب دارای چنین خصوصیتی نیست (صفایی و امامی، ۱۳۷۵ش: ۱۵۴/۱). بنابراین پرداخت نفقه زوجه نسبت به سایر افراد واجب النفقه، مقدم خواهد بود و طبق ماده ۹۴۶ قانون مدنی: در زندگی خانوادگی، زن و شوهر از یکدیگر ارث می‌برند. اگر از زن فرزندی نمانده باشد، سهم الارث شوهر، نصف و اگر فرزندی مانده باشد، یک چهارم است. سهم زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می‌باشد (ق.م، ماده ۹۴۶). ارث از نظر تاریخی ریشه در آداب، رسوم و اعتقادات مردم دارد که از زمان شکل‌گیری خانواده موجود بوده، در گذشته زن را از ارث بردن محروم می‌کردند و علت اصلی محرومیت زنان از ارث، جلوگیری از انتقال ثروت خانوادگی به خانواده دیگر بوده است (مطهری، ۱۳۵۷ش: ۲۴۶) و این دلیل دیگری است براینکه زن حق تملک ارث را داشته و می‌توانسته به دیگری نیز منتقل کند. استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام بیان کرده‌اند که اعراب گاهی زن میت را جزء اموال و دارایی او به حساب می‌آوردند و به صورت سهم‌الارث او را تصاحب می‌کردند. اگر میت پسری از زن دیگر می‌داشت، آن پسر می‌توانست به علامت تصاحب، جامه‌ای بر روی آن زن بیندازد و او را از آن خویش بشمارد. بسته به میل او بود که آن زن را به عقد نکاح خود درآورد و یا او را به زنی به شخص دیگری بدهد و از مهر او استفاده کند (همان منبع: ۲۴۸) و قرآن کریم آن را منسوخ کرد. همچنین زنان وقتی که صاحب فرزند شدن، بابت شیردادن به فرزند خود از همسرشان می‌توانند، مزد دریافت کنند و در این باره قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (آیه ۶ سوره طلاق). پس اگر برای شما (بچه) شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید. یعنی زن مالک دستمزد شیردادن است، علاوه بر اصل مالکیت زن، دلالت بر استقلال وی در مصرف آن را هم دارد.

۲-۲-۲. اجرت المثل ایام زندگی مشترک

زوجین در قبال یکدیگر وظایف و تکالیف قانونی دارند. طبق عرف جامعه ایرانی زنان به فرزندان رسیدگی و امور منزل انجام می‌دهند. در این راستا زوجه می‌تواند اجرت المثل کارهایی که جزو وظایف قانونی و شرعی وی نبوده است، مطالبه کند. به همین منظور از سال ۱۳۶۰ به بعد در سند ازدواج، شروطی به عنوان «شرط ضمن‌العقد» پیش‌بینی شد و بدین ترتیب زوجین می‌توانند طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ایران علاوه بر شروط چاپ‌شده در قبالة نکاحیه هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد به عقدنامه اضافه کرده و با امضای خود آن را الزام‌آور کنند. بنابراین یکی از راه‌های تعلق اجرت المثل، شرط ضمن عقد است و آن «التزامی است که ضمیمه تعهدهای اصلی عقود دیگر قرار می‌گیرد، حدود و شرایط آن تعهدها را کامل ساخته یا دگرگون می‌سازد». (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۲۴/۳) و مطابق تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (۱۳۷۱/۱۲/۲۱) «پس از طلاق، در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً بر عهده وی نبوده است، دادگاه بدو از طریق تصالح نسبت به خواسته زوجه اقدام می‌نماید و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد خارج لازم، در خصوص امور مالی شرطی شده باشد، طبق آن عمل می‌شود، در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به خواست زوجه نباشد و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- چنانچه زوجه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

ب- در غیر مورد بند الف، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زن در خانه شوهر انجام داده و وسیع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید. یزدی در این باره بیان می‌دارد: «اگر بین آمر و عامل در قصد دریافت مزد و عدم قصد مزد اختلافی رخ دهد، نظر عامل مقدم می‌شود؛ زیرا عمل مسلم محترم است و اصل، عدم قصد تبرع می‌باشد و شأنیت اجیر و عدم شأنیت آن در دریافت یا عدم دریافت اجرت اثری ندارد. البته اگر دلیل یا نشانی بر مجانی بودن عمل وجود داشته باشد یا در ابتدا شرط کرده باشد که این عمل را مجانی انجام دهد؛ در این صورت استحقاق اجرت ندارد». (یزدی، ۱۴۰۹: ۶۲۲/۲). همچنین طبق بند ۸ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ از تاریخ لازم

الاجراء شدن این قانون، به جز بند (ب) تبصره (۶) قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲۱ نسخ گردید و ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، مقرر می‌دارد: «دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج،..... اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است» و براساس تبصره (الحاقی ۱۳۸۵/۰۵/۰۹) ماده ۳۳۶ قانون مدنی که مقرر نموده: «چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید». قاعده استحقاق زن نسبت به اجرت‌المثل کارهایی که به دستور شوهر انجام می‌دهد، نمی‌تواند منحصر به مورد طلاق باشد، بلکه یک قاعده کلی است که در موارد دیگر نیز قابل اعمال است. بنابراین تعیین اجرت‌المثل، ربطی به نحوه رفتار زوجه و نحوه درخواست اعم از اینکه از طرف زوج باشد یا زوجه ندارد. علاوه بر اجرت‌المثل، طبق ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ «در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که برعهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند، می‌تواند معادل آن را از زوج دریافت نماید» و همچنین زنان می‌توانند از شرط تنصیف دارایی، که یک حق مالی برای آنان است و در سند ازدواج قید شده استفاده کنند. تنصیف دارایی در مواردی جریان دارد که زوج بدون تخلف و سوء رفتار از جانب زوجه، درخواست طلاق کند و در این صورت تا نصف دارایی به دست آمده در طول زندگی مشترک یا معادل آن را موظف است به زوجه بپردازد. زنان می‌توانند همچنین نحله دریافت کنند و نحله به معنی عطیه‌ای است که در مقابل آن ثمن و عوض نمی‌باشد (طریحی، ۱۴۱۶ق: ۲۸۲/۴) فراهیدی در معنای نحله بیان می‌دارد: «نحله آن است که تو به انسانی چیزی بدهی بدون اینکه عوض طلب کنی». (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۳/۳). همانطور که از بند ب تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (۱۳۷۱/۱۲/۲۱) بدست می‌آید در صورتی که زوجه نتواند اثبات نماید که کارهای منزل را به درخواست زوج انجام داده و یا نتواند اثبات کند که تبرعی نبوده، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که در زندگی مشترک انجام داده قاضی با در نظر گرفتن وسع مالی زوج، مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید و پرداخت آن از طرف زوج اجباری است. اما اجرت‌المثل

کارهایی است که به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام می‌شود و مبلغ آن توسط کارشناس تعیین می‌گردد. بنابراین نحلّه و اجرت المثل قابل جمع نیستند و نحلّه در صورتی به زن تعلق می‌گیرد که به هر دلیل اجرت المثل به او تعلق نگرفته باشد.

۲-۲-۳. اشتغال و حق کسب درآمد

اشتغال: فعالیت منظمی است که در طی روز، هفته و ماه در ازای دریافت حقوق و دستمزد انجام می‌شود. طبق اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق شهروندان است که هرشغلی را که بدان مایل هستند، انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ‌کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی این حق را از شهروندان سلب کند (اصل ۱۹ قانون اساسی). حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است. هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب یا اموال او را توقیف کند و همچنین ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زن به طور مستقل می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند» بنابراین اشتغال و کسب درآمد از حقوق اساسی هرانسان است زنان نیز از این امر مستثنی نیستند و از آنجایی که امروزه انسان، محور توسعه است؛ به نحوی که میزان توسعه یافتگی جامعه، با نیروی انسانی آن سنجیده می‌شود، زنان به عنوان سازنده‌ی نیمی از جامعه و بخشی از نیروی کار کشور، در چنین مواردی جایگاه ویژه‌ی در رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خواهند داشت (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۱: ۳۲۶-۳۲۷) و لازمه آن، این است که زنان فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، داشته باشند (اصول ۲۱ و ۲۸ قانون اساسی). شورای عالی انقلاب فرهنگی در حمایت از کار زنان در ماده ۵ مصوبه (۱۳۷۱/۰۵/۲۶) سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، این گونه تبیین می‌کند: «با توجه به نقش زنان در پیشرفت اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان نیمی از جمعیت، باید تسهیلات لازم برای اشتغال آنان از سوی دستگاه‌های اجرایی فراهم آید و برنامه‌ریزی‌های مناسب حسب اولویت صورت گیرد.....». بنابراین اشتغال و کسب درآمد، نه تنها از نظر شرعی و قانونی مانعی ندارد، بلکه ضروری است برای بهبود وضعیت زنان قوانین و مقررات اصلاح گردد و امکانات خدمات اجتماعی، بهداشتی و درمانی متناسب با وضعیت جامعه و زندگی خانوادگی برای زنان فراهم آید. استقلال مالی، علاوه بر اشتغال و درآمد به زنان اعتماد به نفس و استقلال فکری می‌دهد و می‌تواند مادر و همسر خوبی در خانواده و مدیر توانمندی باشد و از درآمد خود استفاده کند.

۳. بحث و نتیجه گیری

طبق آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء/۷۰)». خداوند «بنی آدم» را تکریم کرده است و کرامت همه انسان‌ها را صراحتاً اعلام نموده است و هدف اصلی از این تحقیق، تبیین استقلال مالی زنان در ارتباط با حقوق شهروندی به عنوان یکی از حقوق اساسی آنان در نظر گرفته شده است. یکی از ستم‌هایی که در طول تاریخ گذشته در جوامع مختلف در حق زنان اعمال گردیده، محرومیت زن از حقوق مالی بوده، که با ظهور اسلام و تبیین احکام الهی، حقوق مالی فراوانی را برای زن ثابت کرد و استقلال مالی وی را پذیرفت. در قوانین کشور ایران که برگرفته شده از فقه اسلامی است به بسیاری از حقوق شهروندی زنان اعم از این که مجرد باشند یا متأهل، پرداخته شده است و یکی از مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی استقلال مالی زنان است و «استقلال» در تمام حقوق و تکالیف، عنصر اصلی و پیش نیاز شهروندی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه زن در اهلیت تمتع و استیفاء با مرد یکسان است، در تملک و تصرف در اموال خود نیاز به اذن یا اجازه پدر یا شوهر خود ندارد. زنان جامعه ایران، امروزه این امکان را پیدا کردند تا به تحصیل علوم مختلف بپردازند و از تخصص و تحصیلات خود بهره ببرند و حاصل کسب و کار مشروع خویش را مالک شوند و یکی دیگر از موارد تملک ارث می‌باشد که از طریق خویشاوندی نسبی و سببی بدست می‌آید و زنان متأهل از طریق مهریه، نفقه می‌توانند اموالی را بدست آورند و یکی دیگر از حقوق مالی زنان اجرت المثل و نحله است که در زمان طلاق دریافت می‌شود. اجرت المثل با نظر کارشناس پرداخت می‌گردد و نحله با نظر قاضی است ولی در عمل مبلغ آن کم است و در زمان طلاق کمک مالی خوبی نیست. طبق قوانین ایران زن الزامی ندارد که از اموال شخصی خویش مخارج و مایحتاج زندگی خود را تأمین کند و طبق ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ اگر به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که برعهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند، می‌تواند معادل آن را از زوج دریافت نماید». همچنین به منظور حمایت مالی از زوجه از سال ۱۳۶۰ به بعد در سند ازدواج، شروطی به عنوان «شروط ضمن‌العقد» پیش‌بینی شد و بدین ترتیب زوجین توانستند طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ایران علاوه بر شروط چاپ‌شده در قباله نکاحیه هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، به عقدنامه اضافه کنند. یکی از آن شروط «شرط تنصیف دارایی» است، از آنجایی که سیستم حقوقی ایران مبنی بر استقلال و جدایی اموال است به همین دلیل این شرط جزء شروط ضمن عقد قرار گرفته است و شامل اموالی است

که مرد در طول زندگی مشترک به دست می‌آورد. با وجود اینکه شروط ضمن عقد در راستای تأمین منافع زنان در زمان تحقق طلاق، پیش بینی شده است و یک شرط توافقی است و ما در زمان طلاق می‌بینیم که زوج با اذیت و آزار کاری می‌کند که این شرط اجرا نشود و بهتر است این شرط به قانون تبدیل شود و بصورت سیستم اشتراک اموال زوجین، مثل برخی سیستم‌های حقوقی، به نهادی قانونی و دائمی تبدیل گردد در بقیه موارد با وجود اینکه قانونگذار منافع زنان را در نظر گرفته ولی در عمل زنان به سختی به حق خود می‌رسند مثل پرداخت نفقه و مهریه که گاهی مجبور می‌شوند از تمام حقوق خود بگذرند. نباید تصور کرد که وجود قوانین به تنهایی تضمین‌کننده این حقوق در جامعه باشد. بلکه شهروندی نیاز به آموزش دارد تا به صورت فرهنگ درآید. بهر حال تمام اموالی که زنان از طریق درآمد، جهیزیه، مهریه، ارث، هبه، وصیت تملیکی، اجرت المثل، نحله و بدست می‌آورند مالک هستند و می‌توانند با تمایل خود در آن تصرف کنند.

منابع

- قرآن کریم

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید، چاپ سوم.
- ابن تراب، مریم (۱۳۸۰). حقوق زنان در خانواده، انتشارات مرکز امور مشارکت زنان.
- امامی، سید حسن (۱۳۲۵). حقوق مدنی، ج ۳، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر، قم: انتشارات اسراء.
- زرکی، خیرالدین (۱۹۸۶). الاعلام، ج ۲، بیروت: انتشارات دارالعلم للملایین، چاپ هشتم.
- زمانی درمزاری (فرهنگ)، محمد رضا (۱۳۸۷) حقوق خانواده، جلد ۲، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی نگاه بینه، چاپ دوم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۱). ارث، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- صفایی، حسین، امامی اسدالله (۱۳۷۵). حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- طاهری نیا، احمد (۱۳۸۹). حضور زن در عرصه های اجتماعی، اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). مجمع البحرين، ج ۴، تهران: انتشارات کتابفروشی مرتضوی.

- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۹۱). **حقوق مالی و اقتصادی خانواده**، تهران: دفتر نشر آثار علمی حوزه معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه امام صادق (ع).
- عمید، حسن (۱۳۶۳). **فرهنگ عمید**، تهران: انتشارات سپهر، چاپ اول .
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). **العین**، ج ۳، قم: انتشارات منشورات الهجره.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۳، انتشارات به‌نشر.
- (۱۳۷۱). **حقوق مدنی خانواده**، جلد اول، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ سوم.
- (۱۳۷۵). **حقوق مدنی خانواده**، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
- (۱۳۷۸). **مقدمه علم حقوق**، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار ر .
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار**، جلد ۲، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). **نظام حقوق زن در اسلام**، انتشارات صدرا، چاپ هشتم .
- مهرپور، حسین (۱۳۷۶). **میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران**، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم .
- (۱۳۷۹). **مباحثی از حقوق زن**، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ناصر زاده، هوشنگ (۱۳۷۴). **قانون مدنی**، تهران: نشر دیدار، چاپ سوم.
- یزدی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق). **عروه الوثقی**، بیروت: انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی
- قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (ق.م)
- ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (۱۳۷۱/۱۲/۲۱)
- سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی ۷۱/۰۵/۲۶)



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی